

نشسته گرد غم در خانه ی دل

دریغا کن نشان زهد و تقوا

مؤذن را اذانی دیگر آمد

ندانم زین اذان نابهنگام

گل روی تورادست اجل چید

جهانی در غم سوگ خمینی

توخار چشم هر بیگانه بودی

تو آزاد آمدی آزاده رفتی

تو آغاز بلند آفتابی

چه شد یکباره ای فریاد توحید

اگر مرگ تو جان و پیکرم سوخت

تو بودی رهنمای راه امت

ندارد شاخه ی امید حاصل

به سوی ملک دیگر وصل مهمل

کز آن بر جان و دل شوری برآمد

عزیزان را چه خاکی بر سر آمد

زمین از ماتمت یکباره لرزید

به جای اشک ، خون از دیده بارید

فروغی در دل هرخانه بودی

حکیم و طاهر و فرزانه بودی

تو پرچمدار دین و انقلابی

سؤالم را نمی آید جوابی

چراغ راه ایمانم بر افروخت

دلم آزادگی را از تو آموخت